



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# امام علی (علیه السلام) و مردم

## بررسی سیره نظری و عملی امام علی علیه السلام در ارتباط با مردم



میثم ابن‌اوی / دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه شیراز

سیره علوی / استاد خاکرند



که عالم کند به عالم  
چو پند است سیرم  
سوز دل صبا

Majnunabnau



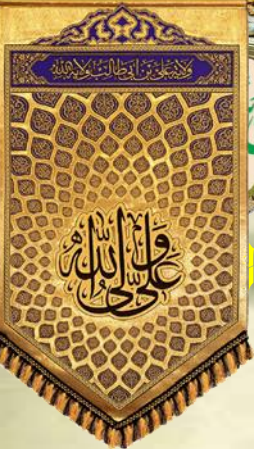


## مقدمه

یکی از مسائل مهم در زندگی و سیره امام علی برقراری ارتباط صحیح ، پیوند دوستی و صمیمیت با دیگران بوده و در اسلام نیز روابط اجتماعی بر پایه دوستی بنا شده است؛ لذا حضرت علی علیه السلام سفارش نموده که بخوبی با مردم ارتباط برقرار کنید و دوستان خود را زیاد یاد کنید که آنان در دنیا یار و یاور شما و در آخرت شفاعت خواه شما هستند امام علی برای استحکام بخشیدن به روابط اجتماعی و مردم دوستی دستور داده اند نسبت به دیگران اظهار محبت کرده و از علاقه باطنی به آنان پرده برداریم و حقوق آنها را محترم شماریم. شیوه معاشرت و ارتباط حضرت علی علیه السلام با مردم در سیره عملی و نظری ایشان ، الگوی کامل انسانیت با اطرافیان و یارانش بوده که محبت و اخلاص و کرامت انسان را به ظهور می‌رسانده است. این خصلت های نیکو در بیانات شریف امام در ارتباط با یاران و سیره رفتاری وی به خوبی مشهود است. خوشرفتاری و حسن معاشرت، صدق و راستی، مردم داری و وفاداری، ادب و رعایت احترام به دیگران، رعایت انصاف و حقوق مردم و عفو و گذشت از مصادیق بارز رفتار امام است که به بررسی آنها می‌پردازیم.







## سیره نظری امام علی علیه السلام در ارتباط با مردم

از نظر حضرت علی (علیه السلام)، عوامل تشکیل جامعه عبارتند از :

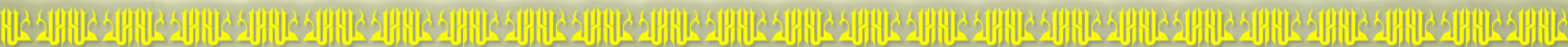
### الف. نیاز انسان ها به همکاری با یکدیگر برای رشد معنوی

انسان ها در امور معنوی، پیمودن ارزش های انسانی، نجات از تاریکی ها و ظلمات احتیاج به همکاری و همیاری دیگران دارند. امام علی (علیه السلام) در این مورد می فرمایند: «و همواره با اجتماعات بزرگ باشید که دست خدا با جماعت است. از پراکندگی بپرهیزید که دوری کننده از مردم بهره شیطان است؛ چنان که گوسفند تنها طعمه گرگ است.»

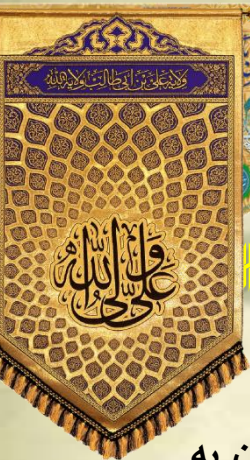
### ب. نیاز انسان به همکاری دیگران برای دفاع از خویش

هریک از افراد انسان برای دفاع از خود به کمک همنوع خود محتاج است؛ زیرا خداوند زمانی که طبیعت حیوانات را مقرر ساخت و توانایی ها را بین آن ها تقسیم کرد، به بسیاری از حیوانات، توانایی و قدرت بیشتری نسبت به انسان عطا نمود... بنابراین، از دفع تجاوز حیوانات به تنهایی ناتوان است؛ از این رو، در تمام این امور چاره ای جز همکاری با همنوع خویش ندارد.

امام علی (علیه السلام) در ضمن خطبه ای فرمودند: «ای مردم! انسان هرچند که ثروتمند باشد از عشیره اش بی نیاز نیست که از او با دست و زبانش دفاع کند.» از سخنان ایشان استنباط می شود که انسان زندگی اجتماعی را به عنوان یک راه تحمیلی نپذیرفته است، بلکه سعادت و کمال خود را وابسته به همکاری و معاونت دیگری می داند.







### ج. نیاز انسان به عاطفه و محبت

این گونه عواطف بین انسان ها که به طور فطری در وجود آدمی نهاده شده است، موجب می شود که انسان به دیگران احساس نیاز کند و در نتیجه، زمینه اجتماعی زیستن را سبب شود؛ چنان که امام علی (علیه السلام) در ادامه همان خطبه فرمودند: «زیرا (عشیره) زمانی که حادثه ای پیش آید پر عاطفه ترین مردم نسبت به او هستند.»

### د. عدم توانایی انسان در رفع همه نیازمندی ها

امام علی (علیه السلام) در یکی از خطبه هایشان از همکاری و تعاون با لفظ «ید» به معنای دست تعبیر کرده اند: کسی که یاری خود را از کسانش دریغ داشته، یک دست را از آنان بازداشته و دست هایی را از یاری خود بازداشته است. شاید بتوان از گفتار امام (علیه السلام) این گونه استنباط کرد که چون انسان همه نیازهای خود را نمی تواند برطرف سازد، بنابراین، به یاری دیگران نیاز دارد.

نوعی زمینه تأثیر و تأثر میان انسان ها وجود دارد که اگر موانعی به وجود نیاید و عوارضی که آنان را از یکدیگر جدا کنند، بروز نکند، احساس اتصال طبیعی و قرارداد اجتماعی تثبیت شده، اتصالی در لذت و الم و سود و زیان و شکست و پیروزی میان آنان به وجود می آید.







و من توبه رتی خلد  
 علم بهار حمت و سب  
 که به سواد فلند  
 به درخ عالمی  
 و در خلد شناسی  
 ششم این ی

## ویژگی های جامعه مطلوب از نظر حضرت علی (علیه السلام)

جامعه مطلوب مجموعه ای از افراد مؤمن، متعهد، عادل و عالم است که مصداق آیه (وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ) (بقره: ۸۲) می باشند؛ یعنی هم به تعالیم اسلامی ایمان آورده اند و هم نظام ارزشی و رفتاری این دین مقدس را چه در زمینه اخلاق و چه در زمینه های دیگر به کار بسته اند. اما باید به این نکته توجه داشت که افراد جامعه به دو رکن اصلی تقسیم می شوند: رکنی از آنان را مردم و رکنی دیگر را زمامداران تشکیل می دهند و در تشکیل جامعه مطلوب هر دو رکن مؤثرند.

کلیه صفات و وظایفی که در نهج البلاغه برای افراد جامعه مطلوب ذکر شده به چهار دسته قابل تقسیم است؛ زیرا برخی از صفات و خصوصیات، کلی و مربوط به همه افراد جامعه است و برخی از ویژگی ها، بیشتر، لازمه زمامداران می باشد. همچنین هریک از زمامداران و مردم وظایف خاصی در برابر یکدیگر دارند که هر کدام به طور جداگانه قابل بررسی است.



## ۱. اوصاف مشترک مردم و زمامداران

**تقوا:** این کلمه از مصدر «وقایه» به معنای حفظ و نگهداری و خویشتن بانی می باشد. در بیانات امام علی (علیه السلام) مردم و زمامداران همواره به تقوای الهی سفارش شده اند. در یکی از نخستین خطبه های مربوط به شرایط بحرانی آغاز خلافت خویش فرمودند: «هان ای مردم! خطاکاری ها چون اسب های بدرفتارند و خطاکاران بر آن سوار، عنان گشاده می تازند تا سوار خود را به آتش دراندازند.»

آن حضرت تأثیر و پیامد آن بر فرد و جامعه را نیز بیان نموده اند: ای بندگان! به درستی که تقوای الهی کلید درستی و... آزادی از هر بندگی و نجات از هر بدبختی است به وسیله آن، انسان به هدفش می رسد و از دشمن نجات می یابد و به آرزوهایش نایل می گردد. تقوا در درجه اول به طور مستقیم از ناحیه اخلاقی و معنوی به انسان آزادی می دهد و او را از قید رقیّت و بندگی هوا و هوس آزاد می کند؛ رشته حرص، طمع، حسد، شهوت و خشم را از گردنش برمی دارد، ولی به طور غیرمستقیم در زندگی اجتماعی هم آزادی بخش انسان است؛ رقیّت ها و بندگی های اجتماعی نتیجه رقیّت معنوی است. آن کس که بنده و مطیع پول و مقام است نمی تواند از جنبه اجتماعی آزاد زندگی کند. پس تقوا نه تنها قید و محدودیت نیست، بلکه عین حرمت و آزادی است.

امام (علیه السلام) علاوه بر اینکه مردم را به طور عام به تقوا سفارش می نمودند، زمامداران را به طور خاص بدان توصیه می کردند. از جمله به معقل بن قیس ریاحی در زمان انتخاب وی به عنوان فرماندهی نیروی شام فرمودند: «تقوا را پاس دار در پیشگاه پروردگاری که او را دیدار خواهی کرد.»







**زهد:** حضرت ضمن توصیه مردم به زهد، آن را چنین تعریف کرده اند: ای مردم! زاهد راستین یعنی درازای آرزوها را بریدن و نعمت ها را سپاسگزار بودن و در حریم محرمات، پارسایی گزیدن.

تبعات آرزوهای طولانی را نیز توضیح داده اند: هرکس آرزو را طولانی کند به بد کرداری دچار می شود. در ازای آرزو آخرت را به فراموشی می سپارد. کمی آرزو عبارت است از آگاهی انسان از واقعیت زندگی و اینکه مرگ امروز و فردا خواهد رسید که این توجه، آزمندی را از دل و جان او می زداید. گزاردن شکر نعمت عبارت است از انجام کار خیر و فایده رساندن به مردم؛ زیرا منظور از شکر، تنها شکر لفظی و زبانی نیست که در پیشرفت جامعه تأثیری نداشته باشد، بلکه مراد شکر عملی است.

اما پرهیز از محرمات، نتیجه طبیعی درک و شناخت واقعیت جهان هستی و دنیای مادی است. وقتی می دانیم دنیا ناپایدار است و همواره به یک حال نمی ماند چرا آن قدر آزمندانه جانفشانی کنیم و چرا به قدر و به اندازه از آن برنگیریم؟ امام علی (علیه السلام) در جهت توصیه زمامداران به زهد، به زندگی زاهدانه پیامبر اسلام اشاره کرده اند: از دنیا چندان نخورد که دهان را پر کند و بدان چندان نگریست که گوشه چشم بدان افکند.

درباره خود به عنوان سیره عملی زهد، در نامه ای به عثمان بن حنیف چنین نگاشته اند: بدان که پیشوای شما بسنده کرده است از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو قرص نان. آن حضرت تأثیر و پیامدهای زهد را نیز گوشزد نموده اند: آن کسی که به مقدار نیاز اکتفا کند به آسایش و راحتی دست یابد و در آرامش مسکن گزیند. اگر انسان دل به دنیا نسپارد هرگز برای رسیدن به جاه و مقام دست و پا نمی زند و برای ماندن در ریاست و قدرت به ستم نمی گراید و به انواع بیماری های نفسانی گرفتار نمی شود.







بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**صبر:** یعنی خویشتن داری در برابر مشکلات امیرالمؤمنین (علیه السلام) صبر را به کشتی نجات تشبیه نمودند و در توصیف صبرپیشگان فرمودند: خالق و آفریدگار در روح و جانسان جلوه کرده و غیر خدا در نظرشان کوچک است... در شدايد و مشکلات خونسرد و آرام و در ناگواری ها شکييا و بردبار و در موقع نعمت و راحتی شکر گزارند. هيچ ملتی نمی تواند مدعی شود که هیچ گاه گرفتار مصایب و مشکلات نمی گردد. بر مردم و زمامداران است که در شدايد و مشکلات آرامش خود را از دست ندهند. امام (علیه السلام) در طول حکومت خود بارها مردم و زمامداران را به آن سفارش نمودند: عمل، عمل... صبر، صبر. بر شما باد شکييايي که شکييايي نسبت به ايمان چون سر است نسبت به تن و خيري نيست در تنی که سر نداشته باشد و نه در ايمانی که با شکييايي همراه نباشد.

آن حضرت نه تنها در کلام، بلکه در زندگی خود نیز همواره صبر را تعليم داده است، چنان که در شرايط بحرانی پس از رحلت پيامبر اسلام (صلی الله عليه وآله) صبر بی نظير امام (علیه السلام) بود که جامعه را از تفرقه نجات داد. خود در اين باره فرموده اند: دامن از خلافت برچيدم و پهلوی از آن پيچيدم و بينديشيدم که يا صبر پيشه سازم يا بدون باور بستيزم. چون نيك سنجيدم صبر را خردمندانه تر يافتم







**عدل:** از نظر آن حضرت این خصوصیت از مهم ترین خصوصیات است که انسان ها باید دارا باشند؛ بدان که برترین بندگان خدا نزد او پیشوایی است عادل، هدایت شده و راهبر.

زمانی که زمامداران جامعه ای عادل باشند، مسلماً در اداره امور نیز عدالت را رعایت خواهند کرد و در نتیجه، همه امور به نحو مطلوب و درست در جایگاه اصلی خویش قرار خواهد گرفت. البته کسی می تواند عادل باشد که هوا و هوس را از خود دور کرده باشد؛ چنان که ایشان نخستین نشانه عدل را بیرون کردن هوا و هوس از دل دانسته اند. و درباره خود به عنوان نمونه عملی انسان عادل فرمودند: «اگر هوا و هوس بر من چیره شده بود و تنها منفعت خودم را در نظر گرفته بودم، عدالت را بر نمی تابیدم، اما هیئات که چنین شود. اگر می خواستم به این عسل پالوده و آن مغز گندم و این بافته های ابریشمین راه می یافتم، اما هیئات که هوا و هوس بر من چیره شود و شکمبارگی به طعام های لذیذ وادارم کند **علم:** از نظر حضرت علی (علیه السلام) زمامداران در هر مرتبه ای از سمت های حکومتی باید علم لازم و متناسب با آن مرتبه را داشته باشند؛ سزاوارترین مردم به خلافت... داناترینشان به دستورات خداوند است. و نتیجه حکومت نادان بر مردم را نیز تذکر داده اند؛ و شما خوب می دانید که جایز نیست امامت مسلمانان را نادانان عهده دار شوند تا با نادانی خویش مسلمانان را گمراه نمایند.



و نیز در نامه ای به مصریان، که همراه مالک اشتر بود - چون او را به حکومت آن سرزمین گماشت - آورده اند؛ لیکن نگرانی من از آن است که نابخردان این امت زمامداری را به دست آورند و مال خدا را دست به دست گردانند و بندگان او را به بندگی و خدمت خود گیرند. ۴۰ در جهت استفاده از علم و تخصص دانشمندان هم به مالک اشتر توصیه نمودند؛ با دانشمندان زیاد به گفتگو بنشین و با حکما و متخصصان نیز بسیار به بحث پرداز. این بحث و گفتگو درباره مسائلی باشد که به وسیله آن وضع کشور سامان می پذیرد.







**هوشیاری:** امام علی (علیه السلام) در عین اینکه با دشمنان مدارا می کردند، همواره مراقب کردار و اعمال آن ها بوده، با هوشیاری و درایت، اعمال آن ها را زیر نظر داشتند. حضرت تعبیر لطیفی در این باره دارند: به خدا سوگند! من چون گفتار نیستم که با ضربه های طولانی، خوابش کنند تا شکارچی به او برسد و نخجیر گیر در راهش او را بفریبد. این توصیه را همواره به کارگزاران خویش نیز داشتند. در عهدنامه معروف خود به مالک اشتر ضمن سفارش او به صلح و دوستی با دشمن، از وی خواستند که بعد از صلح از دشمن بر حذر باشد؛ زیرا چه بسا دشمن خود را به او نزدیک کند و سپس غافل سازد. پس باید احتیاط پیشه کند و از گمان نیکو در این زمینه بپرهیزد.

**شجاعت:** امام (علیه السلام) لزوم شجاعت و تهوّر زمامداران حکومت اسلامی را در ارتباط با وظایف دینی و مسئولیت های حکومتی همواره گوشزد کرده اند: برای فرماندهی سپاه افرادی را از خاندان... دلاور و سلحشور انتخاب کن. در مشورت خویش نیز افراد ترسو را که در انجام دادن کارها تو را ضعیف می کنند راه مده؛ زیرا چنین افرادی معمولاً کسانی را که مبادرت بر انجام کاری میورزند یا از عواقب کارها و یا از سختی مشکلات آن ترسانده، مانع پیشبرد امور خواهند شد. ایشان درباره خود به عنوان رهبری شجاع فرمودند: شگفتا از من می خواهند به میدان کارزار آیم و در نبرد پایداری کنم. مادر بر آنان بگرید، تاکنون کسی مرا از جنگ نهراسانده و از شمشیر نترسانده است.







**وفای به عهد:** هیچ عاملی مانند بیوفایی به تعهدها در شکستن شخصیت مدیران و در هم شکستن تشکیلات حکومتی مؤثر نمی باشد؛ زیرا این امر زمینه های بی اعتمادی را در تشکیلات و روحیه نفاق و دورویی را در افراد فراهم می آورد. چنان که آن حضرت نیز در این باره فرموده اند: خلف وعده سبب برانگیختن خشم خدا و مردم شود. زمانی مردم، امام (علیه السلام) را به دلیل وفای به عهد خود ساده لوح و بی تجربه در امور سیاسی تصور می کردند. آن حضرت فرمودند: به خدا سوگند، معاویه زیرک تر از من نیست، لیکن شیوه او پیمان شکنی و گناه کاری است. اگر پیمان شکنی ناخوشایند نبود زیرک تر از من وجود نداشت، اما هر پیمان شکنی گناه است. هر چه گناه را برانگیزاند کفر است

**قاطعیت:** زمامداران جامعه اسلامی باید در موارد مختلف از قبیل امور جنگی، اداره جامعه، برخورد با دشمنان و اجرای عدالت قاطعیت لازم داشته باشند.

امام علی (علیه السلام) در طول دوران حاکمیت خویش قاطعانه با سه گروه قاسطین، ناکثین و مارقین جنگیدند و در برخورد با این جریان های انحرافی هیچ گونه سازشی از خود نشان ندادند. خودشان در این باره فرموده اند: به جان خویشتن سوگند، که در کشتن و پیکار با کسانی که با حق مخالفت می کنند و در گمراهی قدم برمی دارند، سستی نپذیرم و هرگز سازش نکنم. قاطعیت آن حضرت تمام زمینه را در برمی گرفت. چنان که در جایی در ارتباط با بیت المال فرمودند: اگر اموال بیت المال به کابین زنان انتقال یافته یا بهای کنیزکان شده باشد آن را به بیت المال برمی گردانم. درباره پیامد این خصلت نیز فرمودند: کسی که در اجرای حق مدارا نکند و سازش کار نباشد و از آزمندی پیروی نکند می تواند امر خدای را به پای دارد.





## سیره عملی امام علی در ارتباط با مردم / وظایف زمامداران نسبت به مردم از دیدگاه امام علی

**ایجاد عدالت:** زمانی که عدل در جامعه حکمفرما باشد، جامعه احساس امنیت و آرامش کند و چنین حکومتی نه بر جسم ها که بر دل ها حکمرانی می کند و قطعاً مردم چنین حکومتی را با دل و جان خریدارند.

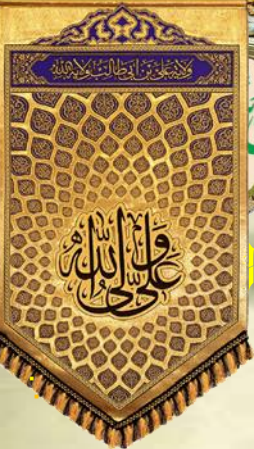
حضرت علی (علیه السلام) در عهدنامه خویش به مالک اشتر در این زمینه آورده اند: برترین چیزی که موجب چشم روشنی والیان می شود برقراری عدالت در جامعه و آشکار شدن علاقه رعایا نسبت به آنان است.



ارزش عدالت در حکومت علی (علیه السلام) تا آنجاست که در پاسخ به پرسشگری که پرسید: عدل بهتر است یا جود؟ فرمودند: عدل کارها را در جای خود قرار می دهد و جود و بخشش از مسیرشان خارج می کند؛ عدالت تدبیرکننده ای است به سود همگان و جود به سود خاصگان. بنابراین، عدل شریف تر و بهتر است؛ زیرا مفهوم عدالت این است که استحقاق های طبیعی و واقعی در نظر گرفته شود و به هر کس مطابق آنچه به حسب کار و استعداد لیاقت دارد، داده شود.

**عدالت اقتصادی و شرایط اجرای آن:** امام علی (علیه السلام) برای زدودن شرایط ناعادلانه زندگی و دست یابی به عدالت اقتصادی، آن هم با توجه به بی عدالتی جامعه آن روز که حکومت خلیفه سوم به آن دامن زده بود، شعار عدالت اقتصادی را مطرح کرد و در راه تحقق آن سیاست هایی را در پیش گرفت:





**الف. دلسوزی نسبت به اموال بیت المال:** در آن زمان مهم ترین منبع درآمد حکومت آن حضرت بیت المال بود که از راه های گوناگون مانند غنائم جنگی و اخذ مالیات به دست می آمد. بنابراین، بیت المال که به منزله درآمد ملی حکومت ایشان و وسیله رفاه مردم بود، از ناحیه ایشان نسبت به آن دقت و دلسوزی می شد؛ چنان که وقتی شبی طلحه و زبیر بر او وارد شدند، امام (علیه السلام) چراغی را که در برابرش بود، خاموش کرد و فرمود تا چراغی از خانه برایش آوردند. طلحه و زبیر سبب آن را پرسیدند؛ فرمودند: روغن چراغ از بیت المال بود. سزاوار نیست با شما با روشنایی آن همنشینی کنم. ایشان در همین زمینه در نامه ای به عاملان صدقات نگاشتند: وقتی مال مردم را با افرادی روانه می سازی، به کسی بسپار که به دینداری او اطمینان داری، تا به ولی مسلمانان برساند و او میان آنان پخش کند و بر آن جز خیرخواهی دلسوز و امانت دار و حافظ و نگهبان واقعی مگمار.

امام (علیه السلام) هرگز اجازه نمی دادند مسئولان حکومتی کوچک ترین تعرضی نسبت به اموال بیت المال مسلمانان داشته باشند. به زیادبن ابیه در این مورد نگاشتند: به خدا قسم، اگر به من خبر رسد که در اموال مسلمانان خیانتی کوچک یا بزرگ از تو سرزده است چنان با تو برخورد خواهم کرد که کم ارج و خوار و از هزینه زندگی درمانده و پریشان حال گردی







**ب. تأمین امکانات اولیه زندگی مردم:** از جمله وظایف حکومت است که در برقراری نظام سالم اقتصادی و فراهم آوردن امکانات مادی لازم برای مردم تلاش کند؛ چنان که حضرت نیز یکی از دلایل پذیرش حکومت را توجه به همین مسئله دانسته اند: شما را بر من حقی است. از جمله، حقی را که از بیت المال دارید بگذارم. همانا بر امام نیست جز آنچه از امر پروردگارش به عهده او واگذار شده و... رساندن بهره های بیت المال به آنان. امام علی (علیه السلام) در راه رسیدن به این هدف از هیچ تلاشی دریغ نکرد. با تقلیل مالیات ها و ایجاد زمین های کشاورزی و سپردن آن به دست مردم زندگی آن ها را رونق بخشید.

**ج. نظارت بر قیمت ها و تنظیم بازار:** امام علی (علیه السلام) از یک طرف، به زمامداران درباره توجه به اقشار تولیدکنندگان، توزیع کنندگان و خدمتگزاران و مصرف کنندگان سفارش نمودند و از سوی دیگر، جهت امنیت اقتصادی و تأمین همه جانبه زندگی مردم نظارت مستقیم بر بازار را مورد تأکید قرار دادند: «با این همه بدان که در بسیاری از آنان (بازرگانان و تاجران) تنگ چشمی آشکار، بخلی زننده، احتکار کالاهای سودآور و تحکم در خرید و فروش دیده می شود که به زیان انبوه مردم و لکه ننگی بر دامان زمامداران است. پس راه احتکار را ببند، چنان که رسول الله (صلی الله علیه وآله) بست.» همچنین به کارگزار خود دستور داد که نرخ ها را در سطحی نگه دارد که برای همه گروه های مردم قابل تحمل باشد و به فروشندگان نیز زیانی نرساند







**د. توجه خاص به مسائل مالی افراد محروم جامعه:** همواره انسان هایی ناتوان و از کار افتاده در جامعه حضور دارند که دولت باید توجه ویژه ای نسبت به آنان داشته باشد و امام علی (علیه السلام) ضمن نامه ای به مالک اشتر از این طبقه به طبقه سفلی یاد نمودند و از ایشان خواستند که توجه ویژه ای به آنان داشته باشد: «پس خدا را در ارتباط با طبقه فرودستان، زمین گیران، نیازمندان و دردمندانی که دردشان را هیچ چاره ای نیست، در نظر داشته باش. چه در میان این قشر کسانی هستند که به بیچارگی می افتند ولی اظهار نمی کنند. قسمتی از بیت المال و غلات را به اینان اختصاص بده.»



یتیمان به عنوان اقشار محروم جامعه، از نگاه تیزبین علی (علیه السلام) دور نمانده اند. ضمن نامه ای به فرزندان خویش مسئله توجه به این قشر را تأکید کرده اند: خدا را، خدا را در نظر داشته باشید درباره یتیمان؛ آنان را گاه گرسنه و گاه سیر مدارید. در سیره عملی ایشان مدارا با یتیمان و بینوایان مشهور عام و خاص است. نقل است: پیری نابینا و سائل از راهی می گذشت. حساسیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) برانگیخته شد، پرسیدند: این کیست؟ پاسخ دادند: یا امیرالمؤمنین نصرانی است. فرمودند: تا توان داشت او را به کار گماشتید، اکنون که پیر و فرتوت شده، او را منع می کنید؟ از بیت المال بر او انفاق نمایید



یکی از والاترین مراتب نیکوکاری لطف و احسان نسبت به یتیمان است. (فهرست غرر، ص ۴۳۱)







## عدالت قضایی و شرایط اجرای آن: پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) درباره قضاوت حضرت علی (علیه السلام)

فرمودند: «داناترین امت من نسبت به سنت ها و قوانین قضایی علی بن ابی طالب (علیه السلام) است.» در تاریخ مشهور است که همواره خلفای سه گانه، مسائل لاینحل قضایی را به ایشان ارجاع می دادند. ایشان در جهت ایجاد عدالت قضایی سعی بسیار نمودند و فرمودند: «به خدا سوگند، داد ستمدیده را از ستمکار بگیرم و مهار ستمکار را بگیرم تا به آبشخور حق بکشانم، هر چند او را ناخوش آید.» امام عدالت پیشه در این جهت سیاست های زیر را در پیش گرفتند:

امام علی (علیه السلام)، کسانی را به عنوان قاضی برگزین که دارای این شرایط باشد: ۱. توانایی؛ یعنی از عهده این کار خوب برآید؛ ۲. اجتناب از عصبانیت و خشم؛ خشم خود را کنترل کند و سعه صدر لازم را در این زمینه داشته باشد؛ ۳. پرهیز از لجاجت؛ وقتی دچار خطا شد، بر آن پافشاری نکند و درصد جبران آن برآید؛ ۴. وارستگی از طمع و دریافت هدیه؛ به فکر منفعت طلبی نباشد و احیاناً از طریق رشوه تطمیع نشود؛ ۵. ژرف اندیشی؛ برای وصول به نظر حق، موارد را کاملاً تحقیق نماید؛ ۶. توقف در شبهات؛ در شبهه رأی صادر نکند تا به یقین برسد؛ ۷. مهارت در استدلال؛ ادله او برای صدور حکم کافی و قطعی باشد؛ ۸. شکیبایی؛ دچار خستگی نشود و صبر نشان دهد؛ ۹. قاطعیت؛ قاطع بوده، اهل مدهانه و سازشکاری نباشد؛ ۱۰. دوری از خودپسندی؛ مدح و ثنا و تملق و چاپلوسی در او اثر نگذارد؛ ۱۱. هوشیاری؛ هوشیار بوده، فریب دیگران را نخورد.





امام علی (علیه السلام) طی نامه ای از مالک اشتر خواسته اند تا وضعیت داوری قضات را به طور مستقیم رسیدگی کند: داوری چنین کسانی را فراوان تیمار دار. این کار موجب می شود قاضی دقت بیشتری در کار خویش اعمال دارد و بدین سان، حق همگان به درستی ادا شود؛ زیرا در نظام علوی، برابری مردم در برابر قانون، اصلی اساسی به شمار می رود و دستگاه قضایی که این نقش مهم را بر عهده دارد باید به این مسئله به دیده احترام بنگرد.

همچنین از بیانات آن حضرت در مورد اجرای قوانین و حدود الهی است: **پروردگارا تو می دانی که تلاش ما برای به دست آوردن سلطنت نبود... بلکه آن بود تا احکامی که به تعطیلی کشیده شد، به اجرا درآید. حقیقت این است که بر عهده شخص پیشوا چیزی نیست جز... برپا داشتن حقوق بر مستحقان آن ها. همه افراد در برابر قانون مساوی اند.** بنابراین، براساس تکلیف الهی، هر کس که مرتکب گناهی شود باید به کیفر گناه خویش برسد، البته قانونی که مبنای آن اطاعت از خدا و شرع باشد.

**برقراری امنیت:** از جمله وظایفی است که در کلام شریف امام (علیه السلام) از اهمیت خاصی برخوردار است. همه انسان ها می خواهند همواره جان و مال و حیثیت آن ها در امنیت باشد. این مسئله مورد توجه آن امام نیز قرار گرفته است:

**«خدایا تو می دانی که آنچه از ما سر زند به خاطر خلافت نبود، بلکه این بود که بندگان مظلومت به امنیت برسند.»** سفارش امام علی به عاملان زکات: **با تقوا و احساس مسئولیت در برابر خداوند یگانه و بی همتا حرکت کن؛ مسلمانی را ترسان و بر سرزمین او اگر راضی نباشد پا مگذر؛ بیش از حق خویش از مال او مستان؛ چون به قبیله ای می رسی بر سر آب آنان فرود آی و به خانه هایشان وارد مشو؛ پس آهسته و آرام به سویشان برو تا به میان آنان برسی؛ سلامشان کن و در اظهار محبت کوتاهی مکن؛ پس بگو: ای بندگان خدا! آیا در مال های شما حقی است تا آن را به ولی او بپردازید؟ اگر کسی گفت: نه، معترض او مشو و اگر کسی گفت: آری، با او برو، بی آنکه او را بترسانی یا بیمش دهی یا بر او سخت گیری یا کار را بر او سخت گردانی.**





**تحقق آزادی:** آزادی به عنوان یک حق مسلم، طبیعی ترین حق آدمی است. بنابراین، یکی از مهم ترین وظایف حکومت، ایجاد آزادی های لازم، اما مطلوب و دارای حد و مرز در جامعه می باشد. آن حضرت در جامعه آن روز انواع آزادی ها را برای مردم به ارمغان آوردند. ایشان هرگز کسی را به زور به بیعت فرا نخواند، بلکه هر کس در پرتو اندیشه و تفکر، در فضایی باز و به دور از هر گونه خشونت می توانست بیعت را بپذیرد. ایشان حتی برای کسانی که با او بیعت نکردند این آزادی را تجویز فرمودند و هرگز حاضر به سلب آزادی آن ها نشدند. حتی گفته اند: وقتی عبدالله بن عمر را نزد او آوردند و بیعت نکرد، امام از او خواست ضامنی بیاورد که دست به اغتشاش نزند. چون ضامن نداشت خود حضرت ضامن وی گردید. آن حضرت با خوارج نیز در منتهای درجه آزادی و دموکراسی رفتار کردند، زندانشان نکردند و شلاقشان نزدند و حتی سهمیه آنان را از بیت المال قطع نکردند. آن ها همه جا در اظهار عقیده آزاد بودند و حضرت خود و اصحابش با عقیده آزاد با آنان روبه رو می شدند.

**مردم داری:** بر پایه این خصوصیت حکومت مردمی شکل می گیرد. هر گاه حکومتی مردمی نباشد و رابطه زمامداران با آنان رابطه حاکم و محکوم باشد، تبعات جبران ناپذیری را در پی خواهد داشت که حضرت به آن اشاره کرده اند: هرگز مبدا بگویی که من اکنون بر آنان مسلّمم؛ من امر می کنم؛ پس باید مرا اطاعت کنند؛ که این عین راه یافتن فساد در دل و خرابی دین و نزدیک شدن تغییر و تحول در «قدرت» است. البته این امر به صورت های گوناگونی می تواند وجود داشته باشد: الف. صداقت با مردم: برخورد صحیح و صریح و صادقانه با مردم زمینه اعتقاد و اطمینان آنان را نسبت به حکومت فراهم می نماید. آن حضرت همواره می کوشیدند که پیوند خود را با مردم از طریق صداقت و صداقت با آنان محکم نمایند «آگاه باشید حق شما بر من این است که هیچ رازی از شما پنهان نسازم مگر اسرار جنگی را.»





**پرده پوشی و نادیده گرفتن عیوب مردم:** امام علی (علیه السلام) پرده پوشی بر عیوب مردم را با توجه به پیامدهایی که این امر می تواند داشته باشد به مالک اشتر گوشزد نموده اند: «دورترین و زننده ترین افراد در نزدت باید کسی باشد که کاستی های مردم را بیشتر می جوید؛ زیرا در تمامی مردم کاستی هایی به چشم آید که پوشاندنشان را زمامدار سزاوارترین باشد.»

وظیفه زمامداران است که تا آنجا که خطری برای اجتماع به وجود نیاید در عیب پوشی بکوشند و پرده دری نکنند زیرا پرده دری از یک سو، احترام شخصیت افراد را در هم می شکند و از سوی دیگر، آن ها را در ارتکاب گناه جسور می کند. در حدیثی آمده است: «راز و عیوب او را بپوشان و نیکش را آشکار کن.» البته در مواردی که عیوب نهانی سرچشمه مشکلات اجتماعی نگردد.

**مهر و محبت با مردم:** زمامداران باید با تمام وجود به مردم عشق بورزند چنان که به خانواده خود عشق میورزند و مردم را از خود بدانند. امام علی (علیه السلام) علاوه بر اینکه خود در سیره حکومتی چنین برخوردی با مردم داشتند، مدیران را نیز به این مسئله سفارش می نمودند: «قلب را پوششی از مهربانی و محبت و لطف به مردم قرار بده.» ایشان نسبت به این مسئله آن قدر حساس بودند که هرگاه متوجه می شدند یکی از زمامداران و مسئولان حکومتشان برخوردی توأم با خشونت با مردم داشته است، او را توبیخ می کردند؛ چنان که یکی از آنان به نام عمر بن ابی سلمه ارجی را بدین صورت سرزنش کردند: «دهقانان شهر تو شکایت دارند که با آنان درشتی می کنی و سختی روا می داری و به آن ها ستم میورزی و آن ها را خرد می کنی!»







**توجه به خواسته ها و مشکلات مردم:** حضرت علی (علیه السلام) توجه به این امر را از مهم ترین وظایف مسئولان دانسته اند: «اگر از سنگینی (مالیات) یا از آفات (کشت) یا قطع آب یا باران که بدان (زمین ها) نباریده یا (بذر زمین) که از غرق شدن یا بی آبی تباه شده، شکایت کردند، بار آنان را سبک گردان؛ چندان که امید داری کارشان سامان پذیرد.» و لازمه این امر را ارتباط مستقیم مسئولان با مردم ذکر نموده اند: بخشی از وقت خود را خاص کسانی کن که به تو نیاز دارند. خود را برای کار آنان فارغ دار و در مجلس عمومی بنشین.

**مدیریت صحیح در اداره امور جامعه:** مدیریت درست و اصولی جهت مؤسسات و بخصوص سلسله مراتب اداری امری است که هر جامعه به آن نیاز دارد تا عدالت و قانون و حق در آن برقرار گردد. امام علی (علیه السلام) به عنوان مدیر مدبر و با تجربه همه امور از کلان تا خرد را زیر نظر داشتند. در این مورد به مالک اشتر فرمودند: «ای مالک! کار کوچک و خرد را به خاطر انجام دادن و استوار کردن کار زیاد، رها مکن؛ زیرا الطاف کوچک را جایی است که (مردم) از آن بهره مند می شوند.» ۸۴ و البته تحقق این امر خود وابسته به اموری است. امام علی (علیه السلام) با دقت نظر خاص خویش در شیوه مدیریت و اداره امور، سیاست های زیر را در پیش گرفته اند: برنامه ریزی و سازماندهی، بازرسی، گزینش کارگزاران صالح، مشورت در اداره امور و...

**توسعه آموزش و پرورش:** در جامعه ای که امام علی (علیه السلام) به تصویر کشیده، توسعه فرهنگی و علم و دانش از اهمیت خاصی برخوردار است: در فراگرفتن دانش سخت بکوشید پیش از آنکه درخت آن بشکند و پیش از آنکه به خود مشغول گردید و فرصت فراگرفتن علم از منبع آن و اهل آن دست برود.







در آموزه های الهی تصریح شده که فلسفه وحی و راز نبوت و چرایی حکومت در مکتب رسولان (علیهم السلام) آموزش و پرورش انسان ها، جهل زدایی و برانگیختن خردهاست و علی (علیه السلام) این حقیقت را به گونه ای بس زیبا در خطبه هایش بیان نموده و ضرورت پرداختن به فرهنگ علم و ادب مردمان و تقدم آموزش و پرورش بر آب و نان انسان و تأکید بر گسترش فرهنگ را در کنار ابعاد دیگر در سیره عملی خود به روشنی عرضه کرده اند.

### وظایف مردم نسبت به زمامداران

در قبال مسئولیت ها و وظایفی که حکومت ها برای مردم انجام می دهند، مسلماً حقی بر گردن مردم گذاشته می شود. امام علی (علیه السلام) در این زمینه فرموده اند: «در میان حقوقی که خداوند برای بعضی واجب گردانده، حق حاکم بر مردم و حق مردم بر حاکم از مهم ترین حقوق است که خداوند برای هر یک بر دیگری واجب کرد.» تا همکاری و همیاری مردم نباشد زمامداران موفق به حفظ اصول و ارزش های انسانی و اخلاقی و تحقق اهداف خویش نخواهند شد؛ چنان که آن حضرت در جایی دیگر فرمودند: «والیان صلاح نپذیرند جز به راستی و درستی مردمان.» و در ارتباط با حکومت خویش نیز چنین فرمودند: «اگر در گذشته رعایا از ستم فرمانروایشان شکایت داشتند، ولی من از رعیت شکایت دارم. گویا من پیروم و آن ها پیشوا و من فرمانبر محکوم و آن ها فرمانبردار حاکم.»







**پای بندی به عهد و پیمان نسبت به زمامداران:** امام علی (علیه السلام) در یکی از خطبه های خویش، ضمن انتقاد از مردم که ایشان را در برنامه های اجرایی حکومت یاری نکردند و با اطاعت از هواهای نفسانی زمینه بن بست اجتماعی را فراهم نمودند، فرمودند: «ای مردم! مرا بر شما حقی است... اما حق من بر شما آن است که بر بیعت وفادار باشید.» از نظر امام (علیه السلام) خیانت در بیعت خیانتی بس بزرگ است: «همانا که بزرگ ترین خیانت، خیانت امت است و زشت ترین نوع دغل کاری، دغل کاری رهبران است.»

به عقیده ایشان حمایت بی دریغ مردم از نظام قانونی و مردمی خودشان، طمع دشمنان را از اینکه منافعی در کشور بجویند قطع خواهد کرد: «ای مردم! اگر یاری حق را فرو نمی گذاشتید و از خواستن باطل دست بر نمی داشتید، آنکه به پایه شما نیست دیده طمع به شما نمی دوخت.» چنین حمایتی نه به اعتبار شخص، بلکه در واقع حمایت مردم از قانون، قرآن و سنت است.

**خیرخواهی نسبت به زمامداران:** آن حضرت در خطبه ای پیرامون این وظیفه مردم فرمودند: «پس مرا یاری کنید، با خیرخواهی نمودن و نصیحتی تهی از دغل و دورویی.» حکومتی که امام (علیه السلام) برای مردم به ارمغان آوردند، حکومتی بر پایه استبداد، زور، خشونت و مالک و مملوک نبود، بلکه حکومتی بود سراسر خدمت به بندگان خدا که پایه های حکومت هستند و در قبال چنین حکومتی مردم باید با دیدی خیرخواهانه دولت را در برنامه های توسعه و اصلاحات همکاری نمایند و این درخواست نشان دهنده ضعف حکومت علی (علیه السلام) نیست، بلکه نشانه دخالت دادن مردم در جامعه است، اما تنها جامعه ای که بلوغ سیاسی داشته باشد به چنین خواستی تن در خواهد داد.







**همکاری و همیاری نسبت به زمامداران:** بهترین و والاترین حکومت، حکومتی است که مردم حمایت و مشارکت لازم را با دولت داشته باشند، ایشان درباره این نقش مهم مردم فرمودند: «ای مردم! اما حقی که من بر شما دارم این است که هرگاه شما را بخوانم اجابت نمایید و چون فرمان دهم اطاعت کنید.»

### نتیجه

در زمان خلفای پیش از حضرت اقدامات اشتباه زیادی توسط آنان صورت گرفت که موجب شد، دین اسلام از مسیر اصلی خود خارج شود و مردم نیز به انحراف کشانیده شوند. به همین دلیل حضرت دست به یک سری اصلاحات زدند تا بتوانند، از انحرافات بیشتر جلوگیری کنند و اسلام را به مسیر اصلی خویش بازگردانند. رهنمودهای خالصانه، پدران و حکیمان علی ع ، بدون جهت گیری، که در آنها همه اقشار و آحاد ملت یکسان مد نظر باشند، در سراسر حیات ایشان در ارتباط با مردم مشهود است. رفتار امام علی با مردم را میتوان در عهدنامه مالک اشتر که به بخش‌های فرمان حکومتی، خطوط کلی عهدنامه، پایه‌های فکری در موضع گیری در برابر مردم، تعامل با گروه‌های اجتماعی، سیستم نظامی در اسلام، اصلاح گردش مالی، دولت و تأمین اجتماعی، پختگی سیاسی برای فرمانروای مسلمان، قضاوت و قاضی تقسیم شده است بخوبی پیدا کرد. در نهایت باید بیان کرد که سرتاسر دوران زندگی حضرت علی (ع) برای تمام آزادگان جهان درس است و عدالت و ویژگی برجسته ایشان در ارتباط با مردم بود که الگوبرداری از آن باعث سعادت‌مندی ما خواهد شد..





## منابع

- عبدالرحمان ابن خلدون، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷، ج ۱، ص ۴۱.
- نهج البلاغه، خطبه ۲۳.
- ولی الله برزگر کشیمی، جامعه از دیدگاه نهج البلاغه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۲۰۷.
- نهج البلاغه، خطبه ۲۳.
- ولی الله برزگر، پیشین، ص ۲۱۰.
- محمد تقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹، ج ۵، ص ۸۰.
- محمد تقی مصباح، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۴۲۱.
- راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالعلم، ۱۴۱۲ ق، ص ۵۱۲.
- نهج البلاغه، خطبه ۱۶.
- همان، خطبه ۲۳۰.
- مرتضی مطهری، ده گفتار، تهران، صدرا، ص ۱۶ و ۱۷.
- نهج البلاغه، نامه ۱۲.
- همان، خطبه ۸۱.
- همان، حدیث ۳۶.
- همان، خطبه ۴۲.
- محمد مهدی شمس الدین ربیعی، جستجویی در نهج البلاغه، ترجمه محمود عابدی، تهران، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۶۱، ص ۲۳۱ و ۲۳۲.
- نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰.
- همان، نامه ۴۵.
- همان، حدیث ۳۷۱.
- مصطفی دلشاد تهرانی، دولت آفتاب (اندیشه سیاسی و سیره حکومتی علی (علیه السلام)).





[illegible]

Мухоморови

